

تجسمی

نمایشگاه «آتش افروز»

در گالری ایوان برپا شد



نمایشگاه فرآیندمحور «آتش افروز» با آثاری از شهرام انتخابی و غزاله سیدآبادی در گالری ایوان برپاست. شهرام انتخابی در گفت و گو با هنر آنلاین درباره شکل گیری این پروژه گفت: در ابتدای شکل گیری این مجموعه موضوعی که مورد توجه ما قرار داشت استعمار دیجیتال در تمام دنیا بود. ما شاهد وابستگی و درگیری با شبکه های اجتماعی، بازی ها و... هستیم که در زمان کرونا بیشتر نیز شده است. به این موضوع فکر کردیم که امروزه بشر برای گریز از مسائل روزمره کمتر از ذهنیت خود استفاده می کند و به جای آن به دنیای دیجیتال پناه می برد، اما در زمان های گذشته انسان برای فرار از مشکلات، ترس ها و... به یک دنیای موازی پناه می برد که با افسانه ها و داستان ها شکل می گرفت. او با بیان اینکه محور اصلی نمایشگاه یکی از مشکلاتی است که جامعه امروز با آن مواجه است، افزود: این مشکل بحران هویتی یسا یک شیزوفرنی، پارادوکس یا دوگانگی است که به خصوص در دنیای مجازی تبلور یافته است. این درگیری های ذهنی انسان مدرن، با خرافات و باورهای انسان اولیه شباهت زیادی دارد؛ با این تفاوت که باورهای اولیه بر اساس مشاهدات و شرایط، محیط و فرهنگ منطقه ای شکل گرفته و در تاریخ شفاهی میان مردم حفظ شده است اما امروزه اثرش رکت ها و غول های فناوری بر طراحی، بر نامرئیزی و شکل گیری آن ها کنترل مستقیم دارند. او با اشاره به اینکه بخشی از این مجموعه ماه گذشته در نیویورک نمایش داده شده بود، گفت: بخش مشترک این نمایشگاه با نمایشگاه نیویورک همان ویدئو آرت است، اما در تهران حجم کارها بسیار زیاد شد و مجموعه مفصلی شکل گرفت.

ادبیات

زندگی آسوده با هنر ذن



کتاب «هنر زندگی آسوده»، ۹۹ تمرین روزانه از یک راهب ذن برای یک عمر زندگی با آرامش و لذت منتشر شد. به گزارش ایلنا، کتاب «هنر زندگی آسوده» را تانسر سنگ با ترجمه ی مرجان ایمانی منتشر کرده است و شامل آموزه های «شونمبو ماسونو»، راهب اعظم آیین ذن است. ماسونو یکی از بر جسته ترین طراح های جهان است. او راهبر و پیشرو طراحی باغ در ژاپن می داند. باغ هایی که به «باغ ذن» معروفند و در آن ها از سنگ و صخره استفاده می شود. او در این کتاب، با زبانی بسیار شیرین و ساده، ۹۹ توصیه ی اصلی مکتب ذن را توضیح می دهد. «هنر زندگی آسوده» در چهار بخش اصلی و ۹۹ فصل کوتاه تدوین شده است و در هر فصل، نویسنده با زبانی ساده و همراه با تمثیل ها و مثال هایی که در ادبیات ذن معمول است، نکاتی را مطرح می کند که می تواند برای هر کسی مفید باشد. چاپ اول این کتاب در ۱۹۲ صفحه با قیمت ۲۵ هزار تومان در قالب مجموعه ی «فلسفه برای زندگی امروز» توسط نشر سنگ منتشر شده است.

اسماعیل خویی درگذشت



اسماعیل خویی، شاعر دیروز چهارم خردادماه در ۸۳ سالگی در لندن دارفانی را وداع گفت. این شاعر، نویسنده و مترجم که در پی ذات الیه شدید در بیمارستان بستری شده بود. اسماعیل خویی متولد ۹ تیر ۱۳۱۷ در مشهد بود و در دهه ۶۰ به لندن مهاجرت کرد. از آثار او می توان به «بر خنک راهوار زمین»، «بر بام گردباد»، «از صدای سخن عشق»، «ما بود گان»، «هنگ در صحر»»، «جهان دیگری می آفرینم» و... اشاره کرد. شعرهای مرحوم خویی به زبان های مختلف از جمله روسی، فرانسه، آلمانی، هندی، انگلیسی و لوکرآینی ترجمه شده اند.

می توان گفت «شب»/

خارجی /یرما» یک تئاتر

ساده است که با تصاویری

از بازیگران در دفتر تست

بازیگری ترکیب شده است.

نمایش برای مخاطب پیگیر

تئاتر آورده ای ندارد و برای

مسیر بیش روی تئاتر ایران

چشم انداز. شاید تنها

صحنه ای باشد برای معرفی

چند بازیگر آینده تئاتر

هر چند بازی بازیگران نمایش، در همان نقش های کوچک و کوتاه، با توجه به تجربه بازیگران، قابل قبول بدانیم؛ اما عادت دیدن نمایش هایی از این دست پایان خوشی ندارد. کافی است به تعداد اجراهایی از این دست طی یک سال گذشته توجه داشته باشیم. نمایش هایی که خروجی ویژه ای نخواهد داشت، حتی می تواند در پروژه های فکری کارگردان انقطاعی ایجاد کند که کارنامه هنری او را مخدوش کند. اگر اجرای پیشین خانم شاهرخی، «بعد از این» را یادآور شویم، می توان فهمید میان دو اجرا تشابهاتی وجود دارد؛ اما شیوه اجرا و مواجهه کارگردان با امر اجرا، خبر از انقطاع می دهد.

مجموع چنین رویکردی می شود ساده سازی متن لورکا، نگاه نه چندان عمیق به متنی برآمده از یک جامعه و تاریخ به خصوص. می شود اجرایی که هیچ چیز تازه ای برای مخاطب به ارمان نمی آورد -نسبت به اجرای «بعد از این» در اجرا یک عقب گرد به حساب می آید. نمایشی می شود که به جای آنکه در انقیاد کارگردان باشد، در انقیاد شرایط است. نمایش برای مخاطب پیگیر تئاتر آورده ای ندارد و برای مسیر پیش روی تئاتر ایران چشم انداز. شاید تنها صحنه ای باشد برای معرفی چند بازیگر آینده تئاتر.

همه چیز حساب شده است. یعنی همان بازیگردانی غالب و صحنه ای که عملاً مغلوب این وضعیت می شود. پس در چنین شرایطی نمی توان بازیگر تازه کار را درگیر بداهه پردازی و مستندنگاری روی صحنه چه رخ می دهد؛ مگر اینکه صحنه مهندسی شود. اما کارگردانان میلی به این مهندسی ندارند. در نهایت همه چیز به فیلمی تقطیع و تدوین شده در میانه نمایش خلاصه می شود.

پس می توان گفت نمایش «شب»/ خارجی /یرما» یک تئاتر ساده است که با تصاویری از بازیگران در دفتر تست بازیگری ترکیب شده است و شاید آنچه مستند باشد، مستندنگاری انتخاب بازیگر باشد، نه مستند بودن زندگی بازیگران. ماهیچ یک از بازیگران را نمی شناسیم. هویت هیچ یک برای ما آشکار نمی شود. حتی آن وجه از زندگی بیان شده یا شاید اعتراف شده نیز در لافافه گنگی قرار می گیرد. نه آغازی برای داستان بازیگران می توان قائل باشیم و نه پایانی. فقط می فهمیم رویدادهایی در زندگی هر یک از بازیگران -و شاید در زندگی خود ما- رخ داده است که می تواند متن لورکا را به فرامتنی انسانی بدل کند. اینکه هر یک از ما می تواند دوگانه برما/خوان باشیم. از این لحاظ نمایش می تواند یک مطالعه روانشناختی باشد و این وضعیت می توانست بدل به یک مستند شود؛ اما اجرا به چنین نقطه ای نمی رسد. چرا کارگردانان به این وضعیت نزدیک نمی شوند؟

پاسخ روشن است، همه چیز به دلیل شکل گیری نمایش بازمی گردد. اینکه چرا نمایش «شب/خارجی /یرما» پدید می آید. نمایش بیش از آنکه نمادی بر یک پژوهش روانشناختی و حتی رسیدن به دراماترپی -برخی بازیگران از تغییر حال روانی خود پس از درگیر شدن با نمایشنامه می گویند- لیلیلی است برای معرفی چند بازیگر.



پاسخ بدون شک آری است؛ اما این پاسخ آری را می توان به چالش کشید. برای مثال چرا همین تحلیل ساده بازیگران از شخصیت یرما و خوان و البته رسیدن به همذات پنداری با شخصیت ها روی صحنه تئاتر رخ نمی دهد؟

پاسخ این پرسش بر عهده کارگردان است؛ اما می توان حدس زد رسیدن به چنین میزانسنی سخت است. اگر به اجرا بازگردیم، آنچه روی صحنه رخ می دهد، می توان فهمید نمایش چندان درگیر رسمی، به بازی تعریف، بازتولید و در نهایت بازنگری خود می پرزد؛ اما همین موضوع می تواند چالش برانگیز کند. برای مثال «شب/خارجی /یرما»، اثر مشترک ندا شاهرخی و نسیم ادبی، نمایشی که ترکیبی از یک اجرای خلاصه شده از متن لورکا و فیلم های ضبط شده بازیگران درباره شناخت خود نسبت به شخصیت یرما و خوان است. همین جا می توان چالش داشت که آیا این ترکیب می تواند تئاتر باشد؟ اگر به همان متر و معیار نسبی گرای پدید آمدن تئاتر مستند در ایران بخواهیم داوری کنیم،

چیزی نمایش را مستند می کند؟ تئاتر مستند در یک دهه اخیر به عنصر جاذبه سازی در تئاتر ایران بدل شده است. اساساً واژه مستند این روزها در ایران به نوعی محبوبیت ساز است. میل به کسب اطلاعات از رسانه ها در میان ایرانی های بیشتر شده و احتمالاً بدل شدن «از بقا»، مستند مشهور حیات وحش، به محبوب ترین برنامه تلویزیون نیز ناشی از همین مسأله است. حالا برچسب مستند می تواند همچون نئون پرزوری بر سر در یک نمایش، مخاطب ظنین تئاتر را ترغیب کند. تجربه نیز نشان می دهد نمایش های مستند در ایران با اقبال مناسبی روبه ر بوده اند؛ اما باین وجود تئاتر مستند در ایران واجد تعریف علمی نیست. همانند بسیاری از مقولات نمایشی نوظهور، دانشگاه از شرایط موجود عقب می ماند و از همین رو تئاتر مستند نیز جامانده ای است در نظام دانشگاهی کشور. هیچ واحد درسی برایش وجود ندارد و متخصصان تئاتری نیز میلی به تعریف یا با بازی تعریف تئاتر مستند از خود نشان نداده اند. همه چیز



چند دختر جوان تلاش می کنند یک نقش را بازی کنند، نقشی تاریخی در جهان درام که شاید عمده بازیگران زن را برای ایفایش تحریک کند. دخترها تقریباً با هبیتی مشترک (گرم، لباس، میزانشن، بازیگردانی) روی صحنه می آیند و خوانشی از شخصیت مشهور «یرما» را عیان می کنند. در میانه هر جابه جایی نقش ویدئویی بخش می شود که نشان می دهد آنچه دخترها روی صحنه عملی می کنند، برآمده از خوانش شخصی آنان و البته همذات پنداری آنان با شخصیت «یرما» است. گویی شاهکار لورکا، در جامعه امروز ایران به نوعی راگریز رسیده است. به زبان ساده تر، به شکل استقرایی گویی تمام زنان ایران به نوعی «یرما» هستند. از همین رو سازندگان نمایش به «یرما» خود برچسب مستند نهاده اند؛ اما پرسش مهم این است دقیقاً چه

میراث

تخریب شیرهای میدان حر و پاسخ میراث فرهنگی

به دنبال تخریب مجسمه های میدان حر، معاون میراث فرهنگی استان تهران می گوید: مرمت این مجسمه ها که منجر به تخریب شده، بدون اطلاع و استعلام میراث فرهنگی بوده است. در جریان مرمت شیرهای میدان حر تهران توسط شهرداری، شیرهای میدان تخریب شدند. مرتضی ادیب زاده به ایسا گفت: مجسمه میدان حر، اثر استاد غلامرضا رحیم زاده در ششم بهمن ماه سال ۱۳۹۸ با شماره ۱۴۴۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است که شامل مجسمه نبرد گر شاسب می شود. بنابر این شهرداری هر اقدامی با هر عنوانی در محدوده میانی میدان انجام دهد باید از اداره کل میراث فرهنگی استان تهران استعلام بگیرد. مرمت مجسمه های این میدان بدون هماهنگی و اطلاع مابوده است.

او افزود: صبح دیروز (سه شنبه چهارم خردادماه) به محض اطلاع از ماجرا، عوامل یگان حفاظت به محل اعزام شدند و پروژه متوقف شد تا بررسی و اقدامات لازم در این زمینه انجام شود. او در مورد میزان تخریب و آسیب وارده به مجسمه های میدان حر تهران گفت: کارشناسان میراث فرهنگی هنوز بررسی ها را انجام نداده اند، اما تصاویری که یگان حفاظت فرستاده نشان می دهد تخریب هایی صورت گرفته است. لازم است کارشناسان پس از بررسی و ارزیابی، نظر دهند تا مرمت و اقدامات حفاظتی لازم، بر آن اساس صورت گیرد.

پروام جانفشان - مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران - در ۴ تیر ماه سال ۱۳۹۹ مراتب ثبت پیکره نبرد گر شاسب با اژدها، اثر استاد غلامرضا رحیم زاده ارژنگ به شماره ۱۴۴۳ به تاریخ ۱۳۹۸/۱۴/۴ را

به اضافه قوانین و مصوبات حفاظت و نگهداری از آثار ملی به اطلاع شهرداری منطقه ۱۱ تهران رسانده بود.

تندیس نبرد گر شاسب با اژدها که نشانی از غلبه بر نیروهای اهریمنی است، سال ۱۳۳۹ در میدان باغشاه (حر) قرار گرفت. این تندیس به همراه مجسمه فر دوسی از معدود مجسمه هایی است که پس از انقلاب آسیب ندید و جابه جا نشد. حمید شانس - مجسمه ساز و عضو انجمن مجسمه سازان ایران - در این باره گفته است:

پس از انقلاب بسیاری از مجسمه هایی که به نوعی نشان دهنده یادبود اتفاقات سیاسی بودند - مثل مجسمه های یادبود کودتای ۲۸ مرداد - از بین رفتند، اما مجسمه «نبرد گر شاسب با اژدها» به دلیل مضمون کلی آن، که غلبه بر نیروهای اهریمنی است، باقی ماند. البته بهتر است برای حفظ این اثر با استفاده از قالب گیری آن رابه جنس ماتاری تبدیل کرد.

شیرهای اطراف اثر مرمت شدند

در همین راستا، معاون فرهنگی سازمان زیباسازی شهر تهران مرتاثر «نبرد گر شاسب» که ثبت ملی شده است را تکذیب کرد و گفت: اثر



رفته در بدنه این آثار، باعث شد که شکل نامناسبی ایجاد شود و چهره ای زشت و زننده به این اثر ملی بدهند بر همین مبنا و با توجه به وظیفه سازمان زیباسازی که متولی مرمت و تولید حجم و مجسمه در سراسر شهر است، بنابر این شد که این چند مجسمه مرمت شوند.

دیوسالار تصریح کرد: در راستای مرمت این مجسمه ها ما سعی کردیم بدون کوچکترین تغییری در شکل آنان، با استفاده از متال بتن، کاری مستحکم تر و بهتر را به لحاظ ماندگاری اجرا کنیم تا علاوه بر حفظ زیبایی شهر، بتواند چهره مجسمه اصلی را نیز حفظ کند و باعث مخدوش شدن این اثر ملی نشود.

او درباره زمان نصب این اثر، گفت: کار اصلی انجام شده و در حال حاضر مجسمه ها آماده شده اند بنابر این پس از جابه جایی و نصب پایه های تازه انشالله در هفته آینده، مرمت این میدان به پایان خواهد رسید و مجسمه ها در کنار اثر ملی